

نمونه ای از حراج کارخانه ها با نام خصوصی سازی

مصاحبه با نماینده ی سندیکای کارخانه لوله سازی خوزستان

کانون مدافعان حقوق کارگر - کارخانه لوله سازی خوزستان با قدمت چهل ساله، یکی از بزرگترین کارخانه های صنایع فلزی در کشور بوده است. زمانی نه چندان دور این کارخانه با داشتن بیش از دوهزار پرسنل و بیست و دو هکتار زمین و کوره های بزرگ، در هفت کیلومتری جاده اهواز به خرمشهر به ساخت لوله مشغول بود. محصولات این کارخانه در زمینه لوله سازی کشور را از بسیاری واردات این محصول بی نیاز می کرد، لوله های فلزی با قطرهای متفاوت که برای آبرسانی، انتقال مواد پتروشیمی از منطقه ای به منطقه ی دیگر همواره مورد نیاز بخش های مختلف عمرانی است.

این واحد تولیدی از اولین کارخانه هایی بود که هدف خصوصی سازی قرار گرفت و اکنون از آن جز یک کارگاه ریخته گری سنتی چیزی باقی نماند است. اولین سندیکای کارگری مستقل با معیارهای مورد قبول کارگران در این واحد تولیدی تشکیل شد و کارگران نمایندگان خود را با تشکیل مجمع عمومی و رای مستقیم انتخاب کردند. سندیکای کارگران لوله سازی خوزستان تلاش های زیادی برای جلوگیری از روند نابودی این واحد تولیدی انجام دادند، هر چند این تلاش ها در مقابل سودخواهی حریصانه سرمایه داران به جایی نرسید و نتوانست جلوی خصوصی سازی این واحد تولیدی را بگیرد اما بخشی از تجربیات گرانبهای جنبش کارگری در سه دهه ی اخیر است.

در زیر مصاحبه ای داریم با یکی از نمایندگان کارگران این واحد تولیدی که به مدت سه دوره به عنوان یکی از اعضای هیات مدیره ی سندیکا انتخاب شده بود. وی در این مصاحبه از چگونگی روند مبارزات کارگران این مجتمع صنعتی برای حفظ و نگهداری آن می گوید.

سوال: آقای مقصودی لطفا ضمن تشکر بابت وقتی که برای این مصاحبه می گذارید، برایمان از لوله سازی خوزستان بگویید و این که از چه سالی در آن واحد مشغول به کار شدید؟

- کارخانه لوله سازی خوزستان در سال ۱۳۵۴ توسط یکی از سرمایه داران وابسته به دربار آن زمان با نام مرتضی بشارت تاسیس شد. این کارخانه تا قبل از خصوصی سازی دارای ۱۷۰۰ کارگر رسمی و ۵۰۰ کارگر قراردادی بود. من از سال ۱۳۵۶ در آن مشغول به کار شدم. شرایط کار در این کارخانه بسیار سخت بود. کارخانه دارای شش عدد کوره ی بزرگ با ظرفیت هر کدام یک ونیم تن مواد مذاب بود که با تکنولوژی قوس الکتریکی کار می کرد. این کوره ها از آلمان وارد شده بود. کارخانه می توانست روزانه در حدود بیش از ۵۰ تن مواد مذاب را به قالب ها وارد کرده و لوله های فلزی از قطر ۱۰ تا ۶۰ سانتی متر را به بازار عرضه کند. تکنولوژی کارخانه نسبتا پیشرفته بود. چرخش قالب ها لوله ها را با قوه ی گریز از مرکز وارد مرحله نهایی ساخت می کرد که در حقیقت لوله های با کیفیت خوب و بدون درز تحویل بازار می داد.

سوال: شما در کارخانه مشغول چه کاری بودید؟

- کوره ها در سالی قرار داشت که سقف آن بین ۱۲ تا ۱۸ متر ارتفاع داشت. جرثقیل های حمل و نقل در این ارتفاع مواد مذاب و یا لوله ها را جابه جا می کردند. بخش مسوولیت جرثقیل ها در آن ارتفاع بر عهده ی کارگرانی بود که باید بر روی ریل های تعبیه شده در ارتفاع ده تا ۱۶ متر از سطح زمین رفت و آمد کرده تا بتوانند جرثقیل ها را به کار گیرند. من ابتدا کارگر ساده ی این بخش و سپس سرپرست آن بودم.

ریل های تعبیه شده در این ارتفاع به گونه ای بود که ما باید همواره با فاصله شش تا ۸ متری از روی کوره ها عبور می کردیم. عرض ریل ها سی تا چهل سانتی متر بود. رفت و آمد بر روی این ریل ها در آن ارتفاع از روی کوره ها، شرایط کار را بسیار سخت می کرد. به طوری که کوچکترین لغزشی می توانست کارگر را به درون کوره های مذاب بیاندازد. تعمیر و بازسازی جرثقیل ها در آن ارتفاع همواره خطر سقوط را برای کارگران به همراه داشت. علاوه بر آن پاره شدن کابل ها بر روی کوره ها و اجبار به تعمیر آنها در آن شرایط موقعیتی را برای کارگران فراهم می کرد که همواره از ناراحتی ها جسمی در رنج بودند. از مهم ترین الودگی های ان فضا میتوان از دود حاصل از مواد مذاب نام برد که همواره استنشاق ان کارگران را با ناراحتی های تنفسی مواجه می کرد .

سوال: دست شما می لرزد. این لرزش برای چیست؟

- این لرزش حاصل ۲۵ سال کارکردن در ارتفاع ده متری روی سکوهای ۳۰ تا ۴۰ سانتی بر روی لوله های مذاب است که کوچکترین لغزش خطر سقوط در کوره ها و پودر شدن در یک لحظه می شد. شما همواره باید در راه رفتن بر روی سکوها تعادلتان را حفظ می کردید. لحظه ای غفلت جان شما را به خطر می انداخت. من شاهد سقوط یک مهندس جوان ۲۷ یا ۲۸ ساله در کوره بودم که به علت نامعلومی در کوره افتاد. در ظرف کمتر از چند ثانیه تنها یک لکه چربی بر روی مواد مذاب کوره ظاهر شد و دیگر هیچ!

سوال: چند سال از دوره ی کاری خود را در این محیط گذراندید؟

- از ۲۸ سال سابقه ی کار ۲۵ سال را در این قسمت از کارخانه گذراندم. دو دوره نماینده کارگران در سندیکا بودم و در دوره ی سوم از طرف مقامات مسوول سلب عضویت شدم. فعالیت سندیکای لوله سازی اهواز بین سالهای ۷۶ تا ۸۲ ادامه داشت که با اعتصابات و افت و خیزهای بسیاری همراه بود.

سوال: خصوصی سازی در این کارخانه چگونه آغاز شد و به چه نتایجی انجامید؟

- این کارخانه که در ابتدای سرنگونی شاه و استقرار رژیم جدید به دست کارگران افتاده بود، هیچ گاه در تولیدش وقفه ایجاد نشد. سرمایه دار سابق این کارخانه را در رهن بانک صنعت و معدن قرار داده بود و از آن طریق وامی کلان گرفته و به خارج گریخته بود. از آن زمان به بعد کارخانه در مالکیت سازمان گسترش و نوسازی صنایع قرار گرفته بود و سپس به بانک صنعت و معدن واگذار شد. کارخانه تا سالهای ۱۳۷۶ و دوره ی جنگ مشکلی نداشت. کوره های این کارخانه در دوران جنگ با تغییر خط تولید با تمام ظرفیت مشغول به کار بود و یکی از بزرگترین پشتوانه های جنگ بود. پس از جنگ دوباره به همان حالت اولیه بازگشت. کارگران با همه ی وجود در هر دوره برای حفظ کارخانه تلاش می کردند.

سوال: چه شد که این کارخانه به بخش خصوصی واگذار شد؟

- به گفته ی مسوولان کارخانه در دوره ی اصلاحات دچار مشکلات مالی شد. هر چند که مشکلات مالی در چنین صناعی امری عادی است اما برای من که در همان زمان نماینده کارگران بودم مشخص نشد که چرا این کارخانه به معرض فروش گذاشته شد. کارخانه اولین بار به شخصی به نام علی شفیعی واگذار شد. او سرمایه داری بود که از دبی به ایران آمده بود. او که در دوره ی اصلاحات وارد ایران شد، سرمایه داری جنجالی بود. او همان کسی است که باشگاه استقلال را خرید. این سرمایه دار که نه برای راه اندازی کارخانه بلکه تنها برای بردن اموال کارخانه آمده بود، ابتدا به بهانه ی پیشرفت تکنولوژی دستگاه های کارخانه را باز کرده و فروخت.

او هیچ تخصصی در امر ذوب فلزات نداشت. هنگامی که ما به آن اعتراض می کردیم می گفتند می خواهیم جای آن دستگاه های پیشرفته تر بیاوریم. اما پس از مدتی هیچ دستگاه جدیدی جایگزین آنها نشد. همچنین این سرمایه دار کلیه کالاهای قابل فروش کارخانه را به فروش رساند و آن را به پول نقد تبدیل کرد هر چه کالای ساخته شده در کارخانه بود می فروخت. به بهانه بازسازی ساختمان های کارخانه، هر مقدار وسایلی که می توانست از ساختمان های قدیمی به پول

تبدیل کند آنها را به خارج کارخانه منتقل می‌کند. کولرها، درب و پنجره‌ها، آهن آلات سقف کارخانه و تاسیسات و هر آن چه قابل تبدیل به پول بود فروش می‌رفت. در و پنجره کارخانه که از آلومینیوم بود کهنه شده و فروخته می‌شد. در مقابل این اعمال کارگران کارخانه دست به اعتراض زدند که کارخانه در حال تخریب است. بارها در صحن کارخانه دست به اعتراض زدیم اما هیچ کس توجه نمی‌کرد. من به عنوان نماینده کارگران تمام این مسایل را به مقامات مسوول از خانه کارگر تا استانداری گزارش می‌دادم. اما هیچ عکس العملی از سوی مقامات مشاهده نمی‌شد. او حدود دو سال به غارت کارخانه مشغول بود و با نام خصوصی سازی هر چیز باارزشی که در کارخانه می‌دید به فروش می‌رساند. این که این سرمایه دار چه سر و سری با مقامات داشت بر ما معلوم نیست. تنها برای ما مشخص بود که اعتراض هایمان به جایی نمی‌رسید. در این دوره کارگران چندین بار اعتراض و تحصن کردند. اما هیچ کس پاسخگو نبود. علی شفیعی اساساً با صنعت کارخانه کاری نداشت. پس از دو سال که هر چه بود را فروخته بود، کارخانه را به فردی به نام حاج میرزایی که از دلان آهن قراضه بود واگذار کرد. او تنها یک فرد واسطه ای بود که در بازار، آهن آلات و فلزات قراضه را معامله می‌کرد و هیچ اطلاعی از صنعت نداشت. این فرد کارخانه را به صورت انبار آهن آلات فرسوده نگاه می‌کرد. این که کارخانه با چه قیمت به این فرد واگذار شده بود بر ما معلوم نیست. اما در چنین معامله هایی مشخص است که خریدار آهن قراضه و یا مواد باطله کارخانه را کیلویی قیمت گذاری می‌کند. حاج میرزایی کارخانه را تحویل گرفته و مالک جدید کارخانه شد. او دیگر تمام انبارها را خالی کرد و هر چه را که باقی مانده بود و قابل فروش بود می‌فروخت. حاج میرزایی شروع به غارت کارخانه کرد. اما این بار کارگران در مقابل او سخت مقاومت کردند و از بیرون رفتن مواد اصلی کارخانه جلوگیری کردند تا آنکه پس از هفت الی هشت ماه مجبور شد در مقابل مقاومت کارگران کارخانه را ترک کند.

سوال: اکنون وضعیت کارخانه به چه صورت است؟

- حاج میرزایی کل ملک را که حدود ۲۲ هکتار زمین است و در بهترین نقطه ی اهواز قرار دارد به فردی به نام عشقی واگذار کرد. کارخانه اکنون در اختیار این فرد است. اما از کل پرستلی که قبلاً نزدیک به ۲۵۰۰ نفر بود، تنها حدود ۷۰ نفر در کارخانه مانده اند. بیشتر کوره ها غیر فعال شده، فقط دو کوره کار می‌کند. آن هم به نوبت، یعنی هر روز یکی از آنها فعال است. ۴ کوره ی دیگر خاموش است. از لوله سازی خیری نیست. آهن قراضه را در کوره می‌ریزند و تبدیل به شمش می‌کنند. فولاد هایی که در ابتدا با تجزیه و بررسی میزان منیزیم و سیلیس و سایر مواد لازم را در آن اندازه گیری می‌کردند تا لوله های باکیفیت تولید شود، اکنون به دست فراموشی سپرده شده است. تنها شمش های چدنی تولید می‌شود که در حقیقت می‌توان گفت از آن کارخانه بزرگ تنها یک ریخته گری سنتی باقی مانده است.

سوال: از تلاش های سندیکا و کارگران برای حفظ کارخانه بگوئید؟؟

- اعتراضات کارگران در لوله سازی شامل دو بخش بود. یکی آنکه به روند خصوصی سازی آن به این شیوه که کارخانه به حراج گذارده شود اعتراض داشتیم که این اعتراضاتمان را در نامه نگاری به مقامات و تجمع ها و تحصن ها در جلو استانداری و فرمانداری و یا در خود کارخانه اعلام می‌کردیم. علاوه بر آن در دوره خصوصی سازی بسیاری از اوقات اتفاق می افتاد که حقوق کارگران بین ۳ ماه تا ۹ ماه به تعویق می افتاد و سرمایه داران خصوصی کارخانه ترجیح می‌دادند به جای پرداخت حقوق کارگران از پول های کارخانه در جای دیگری استفاده کنند و این در حالی بود که کارگران در آن شرایط سخت کار می‌کردند ولی به خاطر مخارج زندگی شرمند خانواده خود بودند و باید با شکم گرسنه به کار ادامه می‌دادند.

در این شرایط کارد به استخوان کارگران می‌رسید و به خیابان ها می‌ریختند که متأسفانه در این موارد نیرو های نظامی و امنیتی به جای آنکه با کارفرمایان غارتگر کارخانه برخورد کنند با کارگران برخورد می‌کردند. بسیاری از کارگران در این موارد دستگیر شده و مورد ضرب و شتم نیرو های نظامی و انتظامی قرار می‌گرفتند و برای مدتها بازداشت می‌شدند. خود من یک بار ۱۵ روز و یک بار چهار روز و یک بار هم ۲۴ ساعت بازداشت بودم. درحالی که کارگران بسیاری به

مدت يك هفته و يا چند روز بازداشت مي‌شدند، اما براي نمونه حتي يك روز هم سرمايه داران غارتگر كارخانه بازداشت يا حتي احضار هم نشدند . در حالي كه در بسياري از كشورها نپرداختن حقوق كارگر جرم محسوب مي‌شود .

سوال : خصوصي سازي ها اكنون از كارخانجات گذشته و به آموزش و پرورش و دانشگاه ها و مراکز علمي رسیده است . به نظر شما براي جلو گيري از غارت منابعي كه متعلق به مردم است چه چاره اي بايد انديشيد ؟

- ان زمان كه كارگران براي مقابله با خصوصي سازي ها خيابان ها را اشغال مي‌كردند متاسفانه ساير بخش ها هنوز جوانب مخرب اين خصوصي سازي ها را نمي‌دانستند و با كارگران همراهي نمي‌كردند اما امروز كه خصوصي سازي ها به بخش هاي آموزش و پرورش و دانشگاه ها بخش بهداشت و درمان رسیده است صدای اعتراض آنها هم بلند شده است . هيچ سرمايه داري به خاطر خدمت به مردم موسسه اقتصادي را خريداري نمي‌كند، بلكه سرمايه داران در زدو بند با محافل قدرت موسسه اقتصادي را تصاحب مي‌كنند تا از آن سودهاي باد آورده ببرند . متاسفانه مسوولان خصوصي سازي هم به فكر خدمت به مردم نيستند و تنها مي‌خواهند از زير بار خدمت به مردم شانه خالي كنند . در اين گيرو دار اين تنها مردم و كارگران و زحمتكشان هستند كه اين غارت اموال دچار خسارت شده و روز به روز فقيرتر مي‌شوند . پس اكنون كه همه از مضرات و ويراني هاي خصوصي سازي آگاه شده اند و حتي يك موسسه اقتصادي نيست كه پس از واگذاري به سرمايه داران خدمات بهتري ارائه داده و يا اشتغال بيشتري ايجاد کرده باشد، چاره كار ان است كه همه مردم از همه اقشار يك صدا به اين سياست‌ها اعتراض کرده تا هرچه زودتر جلو خسارت هاي بيشتري و غارت اموال مردم گرفته شود .